

سلام الله على من
آمن به

١٤٢٥ هـ



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده معماری و شهرسازی

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد معماری

موضوع:

طراحی مجتمع آموزشی دخترانه

(مقاطع پیش دبستانی ، دبستان و راهنمایی)

استاد راهنما :

آقای دکتر حمید ندیمی

نگارنده :

زینب احمدی دانش آشتیانی

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

کتابخانه دانشگاه شهید بهشتی
کتابخانه مرکزی

۱۴۲۵۴۰

تقدیم به پدر و مادر عزیزم که همواره هادی و حامی من بوده اند ،

و به همسر و فرزندم که با صبوری خود مرا در این راه یاری کردند .

يا سپاس فراوان از استاد عالي قدر آقاي دكتر حميد نديمي و

ديگر اساتيد دانشكده كه اينجانب را در اين امر ياري نمودند.

مدرسه عشق

در مجالي که براي باقي است
باز همراه شما مدرسه‌اي مي‌سازيم
که در آن همواره اول صبح
به زباني ساده
مهر تدریس کنند
و بگویند خدا
خالق زیبایی
و سراینده عشق
آفریننده ماست
مهربانیست که ما را به نکویی
دانایی
زیبایی
و به خود می‌خواند
جنتی دارد نزدیک، زیبا و بزرگ
دوزخی دارد به گمانم -
کوچک و بعید
در پی سودانیست
که ببخشد ما را
و بفهماندمان
ترس ما بیرون از دایره رحمت اوست
در مجالي که براي باقیست
باز همراه شما مدرسه‌اي مي‌سازيم
که خرد را با عشق
علم را با احساس
و ریاضی با شعر
دین را با عرفان
همه را با تشویق تدریس کنند
لای انگشت کسی
قلمی نگذارند
و نخوانند کسی را حیوان
و نگویند کسی را کودن
و معلم هر روز
روح را حاضر و غایب بکند
و بجز ایمانش
هیچکس چیزی را حفظ نباید بکند
مغزها پر نشود چون انبار

قلب خالي نشود از احساس
در سهايي بدهند
که بجاي مغز دلها را تسخير کند
از کتاب تاريخ
جنگ را بردارند
در کلاس انشاء
هر کس حرف دلش را بزند
غير ممکن را از خاطره ها محو کنند
تا کسي بعد از اين
باز همواره نگويد، هرگز
و به آساني هم رنگ جماعت نشود
زنگ نقاشي تکرار شود
رنگ را در پاييز تعليم دهند
قطره را در باران
موج را در ساحل
زندگي را در رفتن و برگشتن از قله کوه
و عبادت را در خدمت خلق
کار را در کندو
و طبيعت را در جنگل سبز
مشق شب اين باشد
که شبي چندين بار
همه تکرار کنيم
عدل
آزادي
قانون
شادي
امتحاني بشود
که بسنجد ما را
تا بفهمند چقدر
عاشق و آگه و آدم شده ايم
در مجالي که براي ماقيست
باز همراه شما مدرسه اي ميسازيم
که در آن آخر وقت
به زباني ساده
شعر تدريس کنند
و بگويند که تا فردا صبح
خالق عشق نگهدار شما



نام خانوادگی: احمدی دانش آشتیانی

نام: زینب

نام استادراهنما: دکتر حمید ندیمی

دانشکده: معماری و شهرسازی

عنوان پایان نامه: مجتمع آموزشی دخترانه مشعر

رشته تحصیلی و گرایش: معماری

چکیده:

مجتمع آموزشی غیر انتفاعی مشعر به جهت توسعه مجتمع و همچنین کیفیت بخشیدن به فضاهای آموزشی خود قصد احداث بنای جدیدی شامل مقاطع پیش دبستانی، دبستان و راهنمایی را دارد. این مجموعه در مجموع ۴۸۴ دانش آموز خواهد داشت که از این تعداد ۱۰۰ دانش آموز در مقطع پیش دبستانی، ۲۴۰ دانش آموز در مقطع دبستان و ۱۴۴ دانش آموز در مقطع راهنمایی به تحصیل خواهند پرداخت. این مجتمع همچنین به یک مجموعه ورزشی برای استفاده مقاطع مختلف نیاز دارد که البته باید بگونه ای طراحی شود که قابلیت پذیرش مدارس دیگر و حتی استفاده بعد از ساعات تعطیلی توسط محل را دارا باشد. زیر بنای پروژه در حدود ۵۵۰۰ متر مربع خواهد بود و در زمینی به مساحت ۸۶۹۳ متر مربع واقع در شهرک محلاتی تهران احداث خواهد شد.

در این پروژه با توجه به خواسته کارفرما برای طراحی مدرسه ای منطبق بر شیوه های نوین آموزشی، برنامه فیزیکی پروژه طی جلسات بحث و تبادل نظر با کارفرما و محققینی که در این زمینه فعالیت دارند تنظیم شد. از دیگر نکاتی که تلاش شد در نظر گرفته شود توجه به امر آموزش در فضاهای باز است.

این رساله شامل چهار فصل است، فصل اول چکیده ای از مطالعات نظری در زمینه تعلیم و تربیت و روشهای نوین آموزشی است که با معرفی مصداق هایی از مدارسی که با توجه این رویکرد ساخته شده اند پایان می یابد. فصل دوم که به نوعی نتیجه فصل اول است به ارائه سیاست های طراحی، ذکر استانداردهای فضاهای آموزشی و نهایتاً تبیین برنامه فیزیکی پرداخته است. در فصل سوم بستر طرح معرفی و تحلیل شده است و فصل آخر ابتدا به معرفی روند طراحی و سپس به ارائه مدارک طرح می پردازد.

فهرست مطالب :

۳	مقدمه :
۱۴	۱ فصل اول : مطالعات پایه
۶	1.1 گفتار اول : کلیاتی در ارتباط با تعلیم و تربیت
۵	۱.۱.۱ نقش آزادی در تعلیم و تربیت
۶	۱.۱.۲ تربیت چه چیز نیست ؟
۹	۱.۱.۳ هدف از تعلیم و تربیت چیست ؟
۱	۱.۲ گفتار دوم : ویژگیهای روانشناختی کودکان و نوجوانان :
۱۰	1.2.1 مرامل رشد شناختی در کودکان و نوجوانان از دید گاه رشد پیاژه:
۱۲	1.2.2 ویژگیهای روانشناختی کودکان :
۱۴	۱.۲.۳ ویژگیهای روانشناختی نوجوانان :
۱۸	۱.۳ گفتار سوم : نوآوریهای آموزشی در مدارس
۱۸	۱.۳.۱ تشریح سیستم نوین آموزش :
۱۹	۱.۳.۲ تفاوت سیستم های آموزشی سنتی و مدرن :
۲۰	۱.۳.۳ روشهای نوین آموزشی :
۲۱	۱.۳.۴ روشهای آموزشی رایج در مدارس ما :
۲۳	۱.۳.۵ مشکلات فراروی آموزش به روش نوین:
۲۵	۱.۴ گفتار چهارم : الگوهای رفتاری در مدارس
۲۵	۱.۴.۱ الگوهای رفتاری در مقطع پیش دبستانی :
۲۷	۱.۴.۲ الگوهای رفتاری در مقطع دبستان :

- ۱.4.3 الگوهای رفتاری در مقطع راهنمایی : ۱۳۰
- ۱.4.4 نتیجه گیری : ۱۳۲

۲ فصل دوم : برنامه طرح ۱۳۴

۲.۱ گفتار اول : بررسی مصادیق فارسی ۱۳۶

- ۲.۱.۱ دبستان پاسکالیس در کشور نیوزیلند واقع در شهر هاگو ۱۳۶
- ۲.۱.۲ دبستان پور واقع در ایالت کانکتیکات آمریکا ، در شهر فریفلد ۱۳۹
- ۲.۱.۳ مدرسه بچه ها واقع در ایالت کانکتیکات ، شهر استمفورد ۱۴۱
- ۲.۱.۴ مدرسه راهنمایی شینارا در ژاپن : ۱۴۳

۲.۲ گفتار دوم : بررسی مصادیق دافلی ۱۴۷

- ۲.۲.۱ نگاهی کلی به وضعیت مدارس در شهر تهران ۱۴۷
- ۲.۲.۲ پیش دبستانی مجتمع آموزشی مفید : ۱۵۲
- ۲.۲.۳ راهنمایی مجتمع آموزشی مفید ۲ : ۱۵۵

۲.۳ گفتار سوم : سیاستهای طراحی در فضاهای آموزشی : ۱۵۸

- ۲.۳.۱ سیاستهای طراحی در مقطع پیش دبستانی : ۱۵۹
- ۲.۳.۲ سیاستهای طراحی در مقطع دبستان : ۱۶۱
- 2.3.3 سیاستهای طراحی در مقطع راهنمایی : ۱۶۴

۲.۴ گفتار چهارم : استانداردهای فضاهای آموزشی ۱۶۶

- ۲.۴.۱ ارائه ضوابط کلی در ارتباط با طراحی فضاهای مختلف آموزشی : ۱۶۶
- ۲.۴.۲ شیوه های مختلف نور گیری و استانداردهای مربوط به آن ها ۱۷۶

۲.۵ گفتار پنجم : برنامه فیزیکی ۱۸۰

۲.۵.۱ تعیین امکانات کلی برای طراحی مجتمع آموزشی : ۱۸۰

۱۲۰..... ۲.۵.۲ جداول برنامه فیزیکی برای مقاطع مختلف :

۸۸ فصل سوم : بستر طرح

۸۸ مقدمه : سیمای شهر تهران

۸۹ ۳.۱ گفتار اول : اقلیم شمال شهر تهران.....

۹۹ ۳.۲ گفتار دوم : تحلیل سایت پروژه.....

۹۹ ۳.۲.۱ موقعیت سایت در شهر :

۹۹ 3.2.2 بافت شهرک :

۱۰۱ ۳.۲.۳ موقعیت سایت در شهرک :

۱۰۲ 3.2.4 ویژگیهای سایت.....

۱۰۴ ۳.۲.۵ دسترسی ها :

۱۰۹ ۳.۲.۶ نتیجه گیری :

۱۱۲ فصل چهارم : معرفی طرح

۱۱۲ ۱۴.۱ گفتار اول : فرایند طراحی

۱۱۶ ۱۴.۲ گفتار دوم : مدارک طرح

مقدمه :

از مدارس می توان بعنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در کشورها نام برد چراکه تمامی افراد جامعه حساس ترین سالهای زندگی خود را که دوران کودکی و نوجوانی آنهاست، در این نهاد اجتماعی سپری می کنند. در این دوران است که شالوده های فکری انسان شکل می گیرد و او از یک کودک وابسته و ناتوان تبدیل به جوانی مستقل و توانمند می شود، نتیجتاً می توان گفت که شخصیت انسان در این دوران شکل گرفته و مسیر زندگی او تا حدودی مشخص می شود.

از آنجا که هر انسانی با توانمندیهای منحصر بفردی به دنیا می آید، اگر در زندگی بتواند نقاط قوت خود را شناخته و به آنها تکیه کند انسانی موفق خواهد بود، پس یکی از اصلی ترین وظایف سیستم آموزشی یافتن استعدادها و توانایی های منحصر به فرد دانش آموزان و پرورش آن می باشد. امروزه بدلیل نقصهای موجود در سیستم آموزشی در کشور ما به استعدادهای فردی در امر آموزش توجهی نمی شود این موضوع باعث شده عده زیادی از افراد جامعه خود را افرادی ناکارآمد شمرده و اعتماد به نفس لازم برای دنبال کردن اهداف خود را نداشته باشند.

رسیدن به سیستم آموزشی ایده آل که متکی بر پرورش استعدادهای فردی است تلاش های زیادی می طلبد، امروزه در جامعه ما مطالعات گسترده ای در این زمینه صورت گرفته است، در مدارس نیز حرکت به سمت شیوه های نوین آموزشی مشهود است، اما این تغییرات تأثیری بر کالبد فیزیکی فضاهای آموزشی نداشته است. در این رساله تلاش شده، تاثیر شیوه های نوین آموزشی در طراحی فضاهای آموزشی مورد مطالعه و بررسی قرارگیرد.

از طرف دیگر کیفیت فضاهای آموزشی در کشور ما بسیار پایین است. جوان بودن جامعه ما و تعداد رو ز افزون دانش آموزان در طی سالهای گذشته باعث شده بیشتر، توجه به سمت کمیت فضاهای آموزشی معطوف شود و نتیجتاً کیفیت مدارس سیری نزولی داشته اند. در سالهای اخیر سازمان نوسازی مدارس و برخی مدارس غیر انتفاعی اقدام به احداث فضاهای آموزشی کرده اند، اما در نگاهی کلی به نمونه های ساخته شده می توان گفت در این مدارس نیز توجه به کیفیت فضاهای آموزشی در استفاده از مصالح و مبلمان بهتر و در بهترین حالت در نظر گرفتن فضاهای کمک آموزشی خلاصه شده است. در حالیکه چینش فضاها و ارتباطات درونی آنها، همچنین کیفیت های بصری در داخل فضاها همچنان طبق گذشته طراحی شده است. یکی از اهدافی که در این پروژه دنبال شده است استفاده از عوامل طبیعی و گسترش نقش فضاهای سبز در مدارس برای افزایش غنای بصری در فضاهای آموزشی است.

۱ فصل اول : مطالعات پایه

در این فصل به تشریح مطالعات نظری صورت گرفته تحت سه سر فصل کلی زیر خواهیم پرداخت .

- گفتار اول : در این گفتار از چیستی تعلیم و تربیت ، هدف از آن ، نقش آزادی در تعلیم و تربیت و همچنین در ارتباط با خرق عادت در امر تعلیم و تربیت صحبت شده است .
- گفتار دوم : در این گفتار به ویژگیهای روانشناختی کودکان و نوجوانان اشاره شده است .
- گفتار سوم : در این گفتار ابتدا به تشریح سیستم نوین آموزش ، ویژگیهای آن و تفاوتهاش با سیستم سنتی پرداخته و سپس به شیوه های نوین آموزش که در حال حاضر در دنیای غرب مطرح هستند پرداخته ام .

در انتها از شیوه های آموزشی جدیدی که در حال حاضر در مدارس مورد نظر (مجتمع آموزشی مشعر و مجتمع آموزشی مفید که دارای اهداف آموزشی مشترکی با مجتمع ما می باشد) مطرح شده یا اجرا می شود پرداخته ام . و در نهایت از مشکلات فراروی مدارس برای تغییر شیوههای آموزشی خود صحبت کردهام که مطالب دو قسمت حاصل نتایج تحقیقات و مشاهدات اینجانب در ارتباط با این موضوع می باشد ، تحقیقات صورت گرفته شامل :

__ مصاحبه با مدیریت مجتمع آموزشی مشعر

__ بازدید از مدرسه فعلی این مجتمع آموزشی و بررسی نحوه برگزاری کلاسها و فعالیت های جانبی

__ بازدید از مجتمع آموزشی مفید و بررسی نحوه برگزاری کلاسها ی آنان

__ مصاحبه با مدیریت مجتمع آموزشی مشعر خانم مهندس فرشته احمد زاده

__ مصاحبه با معاون آموزشی مدرسه راهنمایی مفید ۲ جناب آقای احمدی

__ شرکت در جلسه ای با موضوع "تاثیر سیستم آموزشی بر معماری مدارس" در تاریخ ۸۸/۱۰/۳ در دفتر مجتمع آموزشی مفید با حضور مدیریت مجتمع آموزشی مفید و تعدادی از معلمان مدرسه و محققانی که در زمینه روشهای جدید آموزشی کار کرده بودند .

این فصل از لحاظ اهمیتی که کارفرما برای داشتن فضاهایی کارا برای آموزش به شیوه های نوین قائل است حائز اهمیت است .

- گفتار چهارم : در این گفتار به بررسی الگوهای رفتاری بچه ها در مدارس در فضاهای مختلف پرداخته ام . چرا که یک فضای کارا فضایی است که امکان تحقق الگوهای رفتاری مناسب در آن وجود دارد

۱.۱ گفتار اول : کلیاتی در ارتباط با تعلیم و تربیت

۱.۱.۱ نقش آزادی در تعلیم و تربیت

"ویژگی انسان چیست؟ انسانیت انسان در کدام جهت است؟ آیا انسانیت انسان در حیات داشتن او است؟ نه چرا که حیوانات و گیاهان هم حیات دارند، همچنین فهم و احساس داشتن نیز مختص انسان نیست حتی حرکات ارادی داشتن نیز وجه تمایز انسان نیست بلکه دو ویژگی در انسان هست که در دیگر موجودات و نباتات نیست این دو ویژگی سخت به هم مربوط است یکی قدرت تجزیه تحلیل و جمع بندی و دیگری آزاد بودن و انتخابگر بودن است. انسان جاننداری است برخوردار از قدرت اندیشه یعنی چه؟ یعنی روی دریافتهای حسی و درونی اش محاسبه می کند، مطالعه می کند، تجزیه و تحلیل میکند و جمع بندی، و در این بعد توانایی خاصی دارد. این ویژگی به تنهایی در بعضی ماشینهای حساب نیز یافت می شود، اما انسان در این بعد یک خصوصیت علاوه دارد و آن ابتکار، خلاقیت و نو آفرینی است. اینها همه ویژگی اول است و دومی مختار بودن انسان است. خدای فعال^۱ لما پرید موجودی آفریده به نام انسان و به این انسان اختیار داده است. خودش به این موجود اختیار داده و گفته تو را آفریدم تا در پهنه هستی مختار زندگی کنی. یعنی چه مختار زندگی کنی؟ یعنی تو را آفریدم، به تو نیروها و قدرتها دادم، امکانات فراوان محیطی در اختیارت نهادم، چراغ هدایت را در درونت روشن کردم و از آن فرا تر مشعل هدایت وحی و رسولان و پیشوایان و امامان و... را هم فرا راهت قرار دادم. با این حال به تو گفتم حال می خواهی راست برو می خواهی کج. نقش خداوند به عنوان مبداء هستی و نقش پیامبران به عنوان رهبران و راهنمایان امت و نقش امام م به عنوان زمامدار و مسئول امت همه باید به آزادی انسان لطمه وارد نیاید که اگر لطمه وارد کند بر خلاف مشیت الهی است. حال شما ای پدر و مادر و ای معلم و مربی می خواهید درباره این دخترکان و پسرکان چگونه نقشی داشته باشید؟ بیایید با هم تصمیم بگیریم که فرزندانمان آدم باشند یعنی مختار باشند."^۱

"قران به ما می آموزد که خداوند پس از آفرینش آسمانها و زمین، گیاهان و جانداران اراده کرد تا موجودی بیافریند که هدفش را خود تعیین کرده و به انتخاب خودش حرکت کند. پس خدا انسان را آفرید تا در انتخاب و اراده خویش و در حرکت کردن خداگونه باشد. خلاقیت بر اساس انتخاب خویشتن، بزرگترین و مهمترین بعد خداگونگی انسان است. از آنجا که جهت اصلی این گزینش حرکت در راه خدا است انسان باید بر اساس گزینش آزادانه و آگاهانه خداجوی و خداپوی بشود. به این ترتیب خداگونگی دوم او (یعنی به خصلتهای کمال و تعالی آراسته شدن) پس از انتخاب آزادانه او تحقق پیدا می کند. این همه تنها و تنها در پرتو تعلیم و تربیت به وجود می آید.

پس باید "خط مشی تعلیم و تربیت در همه نهادهای انقلابی جامعه اسلامی ما باید بگونه ای باشد که حالت با خود بردن بدون آگاهی و آزادی را نداشته باشد، بلکه با در اختیار نهادن حداکثر زمینه مساعد و امکانات و ایجاد شوق و رغبت بصورت حرکتی آزادانه و آگاهانه اتفاق بیافتد."^۲

^۱ - نقل به مضموم از کتاب "نقش آزادی در تربیت کودکان" نهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر

پهشتی صفحات ۱۱-۱۶

^۲ - نقل به مضموم از کتاب "نقش آزادی در تربیت کودکان" صفحات ۵۹-۶۱

۱.۱.۲ تربیت چه چیز نیست؟

برای آنکه بفهمیم تربیت چیست، ابتدا لازم است که بدانیم تربیت چه چیز نیست؟

" معمولاً صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و روان‌شناسان ((تعلیم)) را انتقال معلومات به ذهن متعلم قلمداد و ((تربیت)) را فراهم سازی زمینه برای به فعلیت درآمدن استعدادها و در نهایت تغییر رفتار و منش فرد در جهت مطلوب تعریف می‌کنند.

اگر مقصود از تعریف دو شیء، تمایز آن دو از هم باشد تعاریف مذکور به نحو تفکیک ناپذیری دارای هم پوشی و در هم تنیدگی (همچون تار و پود قطعه پارچه) می‌باشد. بدین معنی که همانگونه که در تعلیم، معلم باید اطلاعات و معلوماتی را به ذهن متعلم انتقال دهد. در تربیت هم باید این ارتباط بین مربی و متری فراهم گردد. همانگونه که تربیت موجب به فعلیت درآمدن استعدادها و تغییر رفتار فرد می‌شود. تعلیم هم در حد خود موجب شکوفایی استعداد و تحول رفتار و نگرش فرد می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تربیت، روش تعلیمی و تعلیم نیز روش تربیتی دارد. بنابراین آنچه بر حسب تبادل ذهن این دو مفهوم را از هم متمایز می‌کند نحوه تأثیر آن دو در رفتار فرد است. برای مثال چنانچه محتوای آموزش و تعلیم، که غالباً شناخت و توصیف واقعیات علمی و کشف روابط بین پدیده‌ها است به گونه‌ای تدریس شود که پیامد آن منجر به تغییر نگرش و رفتار و منش فرد شود این ((آموزش)) نوعی ((تربیت)) است. بالعکس اگر محتوای مطالب و پیامهای تربیتی، شناخت آداب و عادات و هنجارهای اجتماعی و ارزشهای اخلاقی و فضایل دینی باشد، اما فراگیری این مطالب در حد تأثیر بر ذهن و جایگیری در انبان حافظه و افزایش یافتن اطلاعات و معلومات متوقف گردد و به تحول منش و نگرش تبدیل نشود، علیرغم آنکه محتوای مطالب ماهیتاً تربیتی، اخلاقی و ارزشی باشد نتیجه و پیامد آن جنبه آموزشی خواهد داشت. به عبارتی دیگر اگر تعلیم مسایل آموزشی منجر به ((پرورش)) زمینه تفکر، تعقل و تدبر دانش آموزان به منظور کشف مجهولات و تحریک و تقویت کنجکاو علمی آنان گردد چنین تفکری خود نوعی عبادت خواهد بود. (چرا که به تعبیر امام علی(ع) برترین عبادت، تفکر است.) عبادت نیز غایت خلقت و فلسفه آفرینش آدمی محسوب می‌شود.^۱

" برخی موانع فهم تربیت :

۱- " اولین مانع فهم تربیت، مکانیکی و ایستا تلقی کردن آن است. به نحوی که تصور می‌شود متری همچون مومی در دست تربیت کننده است که به هر شکلی که خواسته باشیم آن را تغییر دهیم. و یا اینکه درون متری را همچون مخزنی بدانیم که باید با مصالح و مواد تولید شدنی نسل بزرگسال پر شود.

۲- دومین مانع فهم تربیت محصول مداری و سودمند گرایی پنداشتن تربیت است. به این معنی که تصور می‌رود در تربیت باید از فرد تربیت شده در جهت تحقق نیازها و سیاست های اعلام شده جامعه بهره برداری کند. از این دیدگاه، افراد باید شهروندان مطیع و مفیدی باشند که هویت فردی خویش را قربانی هویت جمعیتی و مصلحت های سیاسی حاکم بر جامعه نمایند. بدیهی ترین ویژگی این نوع تربیت همان محو فردیت است و دولت مالک جسم و روح کودک می‌شود. حال آنکه تجربه تاریخی نشان داده است

^۱ - به نقل از کتاب "تربیت چه چیز نیست" نوشته عبدالعظیم کریمی ناشر انتشارات تربیت صفحات ۳۰-۳۲

نتایج چنین نگرشی به تربیت منجر به وجود آمدن نسلی وابسته، عقیم، مفلوج، شکننده و بی هویت می‌گردد. در این نوع نگرش غایت آموزش و پرورش تولید عضو مفید برای جامعه است.

۳- سومین مانع مهم تربیت، این است که تربیت را یک امر بیرونی تزیینی و آندودی تلقی کنیم. چنانچه عده‌ای معتقدند تربیت عبارت از؛ عملی است که نسل بالغ نسلی که هنوز برای زندگی اجتماعی قادر نیست معمول می‌دارد. و یا تربیت عبارت است از یک اثر عمدی و یک طرفه از جانب بزرگسال بر روی کودک به منظور سازگار کردن او با قوانین و مقررات اجتماعی، در واقع وظیفه بزرگسال در این نوع تربیت انتقال تجربیات و میراث فرهنگی جامعه به نسل جدید است.

این نوع برداشت هر چند در وهله اول امری شایسته و ضروری به نظر می‌رسد اما اگر در همین حد متوقف شود آثار مثبت سوء آن بیش از آثار آن است. زیرا هر نسلی باید تجربیات، دانش و واقعیت‌های فرهنگی زمان خود را خود شخصاً بازشناسی و باز آفرینی کند. در قلمرو روشهای تربیتی نیز این حکم صادق است. زیرا روشی که از نظر نسلی برای نسل قبل خود مفید بوده است احتمالاً دیگر برای نسل آینده مفید نیست. ۴- چهارمین برداشت انحرافی از تربیت، معطوف به هدف تربیت است که تصور می‌شود برای پرورش هر فرد باید یک ردیف اهداف از قبل پیش‌بینی شده تعیین کرد تا متربی به سوی آن سوق داده شود. حال آنکه هدف تربیت در خود تربیت است، مربی باید خود را بر اساس اصلتهای فطری و مقاصد طبیعی و تکوینی متربی که در فرایند شکوفایی و به فعلیت رسیدن استعدادهایش کشف می‌کند مطابقت دهد، نه آنکه متربی را با اهداف خود همسو کند.

۵- پنجمین خطای ادارکی از مفهوم تربیت در روش تربیت است. بدین معنی که عده‌ای تصور می‌کنند جریان تربیت باید از طریق ادامه آموزشها، یاددهی و اطلاعات بیرونی شکل گیرد حال آنکه تربیت امری اکتشافی است نه اکتسابی. حتی اگر ما قصد آن را داشته باشیم که متربی را به سعادت واقعی خود برسانیم باید شرایطی فراهم آوریم تا سعادت خویش را در درون خود کشف کند و نه آنکه سعادت را از بیرون برای او ابداع و اختراع کرده و در اختیار او بگذاریم.^۱

"قضاوت درباره یک روش تعلیم و تربیت تنها از راه مشاهده و ارزشیابی نسلی که با آن روش تربیت شده‌اند میسر می‌باشد، اگر این عامل را ملاک قضاوت خود قراردهیم متوجه می‌شویم که جامعه کنونی ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند دگرگونی در روشهای تبلیغی و تربیتی به منظور پرورش نسلی سازنده، خلاق، مستقل، خداجو و آزاده می‌باشد و این نیاز هنگامی برآورده می‌شود که ما نگاه خود را به تربیت و روشهایی که به نام تربیت در خانه و مدرسه بکار می‌بریم تغییر دهیم."^۲

"مانیازمند به یک ((انقلاب نگرشی)) در تربیت و یک ((انقلاب تربیتی)) در نگرشها هستیم. لازمه چنین تحول بنیادی، رهایی از وضع موجود است. جدایی از قالبها و برنامه‌ها و اقداماتی است که هم اکنون بعضاً در دستگاه تعلیم و تربیت به یک ردیف عادات و مراسم و دستورالعمل‌های عقیم و منجمد و نازا تبدیل شده است. ما باید در امر تربیت خرق عادت کنیم."^۳

۱ - به نقل از کتاب "تربیت چه چیز نیست" نوشته عبدالعظیم کریمی ناشر انتشارات تربیت صفحات ۳۴ - ۳۸

۲ و ۳ - به نقل از کتاب "تربیت چه چیز نیست" نوشته عبدالعظیم کریمی ناشر انتشارات تربیت صفحات ۱۰ - ۱۴

"خرق عادت در تربیت یعنی میراندن آنچه که به غلط انجام می دهیم و زنده کردن آنچه که به درستی باید انجام دهیم. خرق عادت در تربیت یعنی هوشیار شدن به این واقعیت تلخ که آنچه بنام آموزش صورت می گیرد خود به ضد آموزش تبدیل شده است. خرق عادت در تربیت یعنی بازنگری به راهی که تا کنون پیموده ایم و قضاوت در مورد طول مسافتی که طی کرده ایم . و طرح این پرسش که آیا به مقصد تربیت نزدیکتر شده ایم و یا دورتر؟"^۱

"خرق عادت در تربیت یعنی بیرون آمدن از پیله تربیت بیرونی و بازگشتن به جوهره تربیت درونی.

خرق عادت در تربیت یعنی انقلاب علمی، نگرشی و ارزشی د رمفاهیم و روشهای تربیتی تا بتوان تعلیم و تربیت را از تصنع، سوداگرایی و مصرفی بودن خارج نمود."

"خرق عادت در تربیت یعنی نفی قیوموت و ایجاد شرایط لازم برای ((خود آغازگری))، ((خود آموزی))، ((خودیابی)) و ((خود رهبری)) در نسل آینده ، تا آنها بتوانند خود شخصاً در فرایند تعلیم و تربیت خود نقش فعال داشته باشند. خرق عادت در تربیت یعنی کفر ورزیدن به راههایی که به تربیت ختم نمی شود و ایمان آوردن به راههایی که به تربیت ختم می شود. "

"خرق عادت در تربیت یعنی حفر کردن خندق عمیق و طویل میان ((اندودگری)) ارزشها و ((درونی کردن)) ارزشها در شخصیت کودکان و نوجوانان، و بالاخره خرق عادت در تربیت یعنی هوشیار شدن به این نکته مهم در تربیت که انسان به هیچ وجه مستقیماً به راه مستقیم نمی رود. بلکه توسط انحرافی که افلاطون اهمیتش را در ((جمهوریت)) نشان داده است به حقیقت پی می برد و بر این اساس ما باید ضمن اتخاذ روشهای غیرمستقیم، به تربیت و روشهای تربیتی خود به گونه ای دیگر بیندیشیم و به جای اینکه در پی کسب دستورالعمل های تجویزی و کلیشه ای باشیم، به دنبال کشف هنر پرهیز کردن از تربیت آسیب زا باشیم، به جای این که بکوشیم چگونه تربیت کنیم، بیندیشیم چگونه تربیت نکنیم و این اجتناب و پرهیز از تربیت عادت، عین اشتیاق و تجویز در امر تربیت فعال است مشروط بر اینکه بتوانیم پوسته عادات و سیاهی حجاب و زمختی نقاب را از فطرت خداجوی خود و دیگران برداریم . و باید مطمئن باشیم که تنها از طریق خرق عادت در تربیت عادت و مکانیکی کنونی است که می توان به تربیت خلاق و پویا نزدیک گردید چرا که به تعبیر ((ویل دورانت)) ((تربیت مکانیکی و عادت، انسان خلاق و آزاده بار نمی آورد . بلکه آنچه می پرورد نیمه انسان است. این تربیت تمدن را تابع صنعت و حیات را پیرو فیزیک و ذوق و آداب را مطیع ثروت می سازد)).

در این نوع تربیت، انسان از اصالت فطری و پایگاه الهی خویش تهی می شود و به بیان زیبایی ((شهید مطهری)) در چنین نظامی، ((انسان تک ساختی ساخته می شود نه انسان چند ساختی)) و به همین سبب است که لزوم بازنگری در مفاهیم و روشهای تربیتی بیش از پیش احساس می شود، اما لازمه این بازنگری، بازاندیشی عمیق و همه جانبه در همه آن عناصری است که بنام تربیت در حال انجام است. "

عبارات داخل گیومه به نقل از کتاب "تربیت چه چیز نیست" نوشته عبدالعظیم کریمی ناشر انتشارات تربیت صفحات ۱۰ - ۱۴ آورده شده است .

"خرق عادت در تربیت یعنی بازشناسی مجدد ابعاد تربیت و ایجاد تحول در هریک از آنها، زیرا تربیت از سه زاویه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اول : تربیت به منزله یک نهاد یا تأسیس، یعنی نظام تربیتی که دارای ساختار، تشکیلات، موسسات و عملیاتی مشخص است.

دوم: تربیت به منزله ((تولید و محصول)) یعنی تربیت چه تغییراتی را باید در فرد به وجود آورد و به چه منظوری افراد تربیت می‌شوند؟

سوم: تربیت به عنوان ((فرایند)) یعنی چه روشها و برنامه هایی باید انجام گیرد تا بر اثر تعامل بین مربی و متربی هدف تربیتی حاصل شود."

"بنابراین اگر به دنبال تحول در کلیت تربیت هستیم باید بطور نظام دار و هماهنگ در این سه جنبه از تربیت به گونه‌ای دیگر بیندیشیم. بر این اساس است که خرق عادت به منزله شنا کردن بر خلاف جریان، می‌تواند مسیر انحرافی و وارونه تربیت را به جای خود بازگرداند."^۱

۱.۱.۳ هدف از تعلیم و تربیت چیست ؟

"سقراط معتقد است هدف از تعلیم و تربیت عبارت است از ((عشق به زیبایی)) چرا که اگر این نیاز و یا به عبارتی دیگر احساس زیبایی شناسی در بشر تقویت گردد در متعالی ترین شکل خود دیدار جمال الهی را باعث خواهد گشت و غایت کمال خود را در عشق به زیبایی خواهد جست. و افلاطون معتقد است ((هدف از تعلیم و تربیت مبارزه علیه زشتی، تصنع و ساختگی است)). و اگر این هدف برآورده شود بشر از ریاکاری، تظاهر، دروغ و آنچه که زبنده اخلاق و صفات متعالی آدمی نیست دوری می‌جوید. همین دوری گزینی و مبارزه با موانع کمال، مسیر هدایت و رشد سازنده را فراهم می‌سازد.

از طرف دیگر ((روسو)) معتقد بود که هدف آموزش و پرورش تأمین آزادی برای کشف طبیعت کودک و انسان است. زیرا با آزادی است که انسان به خلاقیت، استقلال، اعتماد به نفس، سعه صدر، نیک اندیشی و بزرگی روح دست می‌یابد و تربیت درونی همانا تحقق تمامیت خود توسط خویشتن است و ((ولز)) می‌گوید هدف آموزش و پرورش، بیرون آوردن فکر است از بن بستها."^۲

"در علوم روانشناسی هدف از تربیت ((تغییر مطلوب رفتار)) است. و رفتار به همه افکار و اعمال و تجارب آشکار و ناآشکار گروه تلقی می‌شود. ((تربیت)) کمک به پیدایش تغییر مطلوب آموخته در رفتار فرد یا گروه است به این منظور که یک شهروند مؤثر و موفق را در خویشتن رشد و گسترش دهد."^۳

^۱ - به نقل از کتاب "تربیت چه چیز نیست" نوشته عبدالعظیم کریمی ناشر انتشارات تربیت صفحات ۱۰ - ۱۴

^۲ - به نقل از کتاب "تربیت چه چیز نیست" نوشته عبدالعظیم کریمی ناشر انتشارات تربیت صفحات ۲۳ - ۲۴

^۳ - به نقل از کتاب "نگاهی نو به روان شناسی آموختن یا روان شناسی تغییر رفتار" نوشته دکتر علی اکبر شعاری نژاد

۱.۲ گفتار دوم : ویژگیهای روانشناختی کودکان ونوجوانان :

۱.۲.۱ مراحل رشد شناختی در کودکان و نوجوانان از دید گاه رشد پیاژه:

"میزان رشد هوشی در دوره کودکی و نوجوانی بیشتر از هر زمان دیگری استاگر سن ۱۷ سالگی را به عنوان سن ملاک در نظر بگیریم، ۵۰ درصد رشد هوشی افراد از بارداری تا ۴ سالگی است، ۳۰ درصد بین ۴ تا ۸ سالگی است و ۲۰ درصد باقیمانده از ۸ تا ۱۷ سالگی است.

"هوش توسط روان شناسان به دو روش متفاوت مطالعه شده است. رویکرد روان سنجی یا روان آزمایی هوش را به منزله یکی از صفات بسیار بارز انسان می‌داند که هر کسی بهره ای از آن را دارد. ویژگی متمایز کننده هوش از دیدگاه آنها توانایی تفکر منطقی یا عقلانی است.

رویکرد دوم در مطالعه هوش رویکرد رشدی نام دارد و به بهترین وجه توسط ژان پیاژه مطرح شده است این رویکرد بر شیوه خاصی که یک شخص برای حل یک مسأله عمل می‌کند و تغییرات کیفی که با بالغ وی در فرآیند های ذهنی او روی می‌دهد، تأکید دارد.^۱

"پژوهشهای پیاژه او را به این نتیجه رساند که همه انسانها مراحل رشد شناختی یکسانی را در یک توالی همسان می‌گذارند، اما تجربیات فرهنگی و اجتماعی می‌تواند سرعت این گذر را تشدید کند یا به تأخیر اندازد. به این ترتیب، گرچه او برای شروع و پایان مراحل مختلف رشد شناختی دامنه های سنی را فهرست کرده است (جدول ۳.۲ را ببینید)، اما در کاربرد جهانی سنین محتاط بوده است.^۲

"طبق نظریه پیاژه نوزاد توانایی استفاده از تفکر نمادین و زبان را ندارد. در نتیجه، کودکان زیر دو سال باید برای ادارک محیط خود و کنترل آن بر احساس موجود، ادراکات و فعالیت حرکتی متکی باشند. از این رو، پیاژه این مرحله را هوش حسی حرکتی می‌نامد. گرچه ویژگیهای کارکرد شناختی در این سن در مقایسه با مراحل بعدی بسیار خام است. اما پیاژه معتقد است که اینها نشان دهنده رشد هوشی هستند.

مرحله	سن تقویمی	ویژگیهای متمایز کننده
حسی حرکتی	تولد تا ۲ سالگی	برای تعامل با محیط بر اعمال حسی، ادراکات و فعالیت حرکتی متکی است.
پیش عملیاتی	۲ تا ۶ سالگی	زبان، استفاده ناقص از نمادها، تفکر پیش منطقی و حل مسأله
عملیات عینی	۷ تا ۱۱ سالگی	تفکر منطقی در مورد وقایع عینی
عملیات صوری	۱۲ تا ۱۵ سالگی	تفکر منطقی در مورد عقاید انتزاعی

جدول ۱ : مراحل رشد شناختی از دید گاه رشد پیاژه

^۱ - به نقل از کتاب "روانشناسی نوجوانان" نوشته دکتر اسماعیل بیابانگرد ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی صفحه ۶۰

^۲ - به نقل از کتاب "روانشناسی نوجوانان" نوشته دکتر اسماعیل بیابانگرد ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی صفحه ۶۸

استفاده از نمادهای ابتدایی (تصاویر و کلمات) برای بازنمایی احساسها، ادراکات و اعمال، حاکی از حرکت کودک به مرحله دوم یعنی تفکر پیش عملیاتی است. در طی دوره پیش عملیاتی، کودکان می‌توانند بین نمادها و مراجع آنها تمیز قائل شوند، در نتیجه، اغلب برای آنها از نظر شناختی غیر ممکن است تا چیزی را فراتر از ظاهر حقیقی اشیاء ببینند، گرچه (افزایش مهارتهای زبانی و تعامل مداوم با محیطهای اجتماعی و فیزیکی، به ادراک آنها کمک می‌کند تا بیشتر مطابق با «واقعیت عینی» باشند).

در حدود سن ۶ تا ۷ سالگی، کودک وارد مرحله سوم یعنی عملیات عینی می‌شود. در طی این دوره ما شاهد استفاده از منطق در تفکر کودک هستیم. پیازه این فرآیند فکری منطقی را عملیات نامیده است. با پیشرفت تفکر منطقی، کودکان در تفکر خود انعطاف پذیرتر می‌شوند، شروع به درک روابط بین وقایع می‌کنند، و می‌توانند اشیاء خواص را از روی مشترکات آنها طبقه بندی کنند.

تا زمانی که کودک به دوره عملیات صوری دست نیافته است، نمی‌تواند به گونه منطقی در مورد وقایع و اشیاء فرضی فکر کند. این مرحله بین سنین ۱۱ و ۱۵ سالگی شروع می‌شود. پیازه معتقد است با شروع تفکر عملیاتی صوری، تمام ساختارها و تجهیزات لازم برای اندیشیدن، گسترش و رشد می‌یابند. با این حال، او معتقد بود که این ساختارها برای آنکه کاملاً رشد یابند به میزان زیادی نیاز به ظرافت و اصلاح دارند.

به خاطر آوردن که تفکر عملیاتی عینی، تفکر منطقی است، اما تنها به مسائلی در مورد وقایع و اشیاء قابل مشاهده که در حال حاضر وجود دارند محدود می‌شود. تفکر عملیاتی صوری میدان فعالیت شناختی را گسترش می‌دهد، به گونه‌ای که نوجوان نه تنها می‌تواند در مورد وقایع حال فکر کند، بلکه می‌تواند وقایع گذشته و آینده را نیز به خاطر داشته باشد. شخصی که دارای عملیات صوری است، می‌تواند به جای محدود شدن به مسائل عینی و ملموس مسائلی را ادراک کند که در آن کلام جانشین اشیاء شده است. ویژگی دیگر تفکر صوری این است که نوجوان می‌تواند از تفکر ترکیبی استفاده کند، یعنی قادر شود تا اثرات بیش از دو متغیر را که در یک زمان واحد عمل می‌کنند در نظر بگیرد. تفکر ترکیبی در آزمون منظم فرضیه‌ها (در مقابل آزمایش و خطا) با توجه به مسائل پیچیده اهمیت دارد.

جنبه دیگر عملیات صوری توانایی فکر کردن در مورد افکار (اندیشیدن در مورد اندیشه) است. در نتیجه این رشد، نوجوان از محتوا و منطق افکار خود و نیز دیگران آگاه شده و می‌تواند آنها را ارزیابی کند.

در ارتباط با نظریات پیازه دو اشکال مطرح میشود اول در مورد رسیدن انسان ها به مرحله عملیات صوری است. ژان پیازه گرچه اشاره به قطعی و ثابت نبودن سنین مطرح شده در جداول به ویژه در مرحله عملیات صوری کرده است و آن را متأثر از مجموع شرایط پیرامونی و محیطی که فرد در آن رشد می کند می داند اما معتقد است که همه به این مرحله از رشد هوشی خواهند رسید اما بعضاً شبیهاتی نسبت به این مساله مطرح می شود. مورد بعدی تامیم این فرضیه به تمامی تمام فرآیندهای شناختی است. هر چند که در بیشتر پژوهشهای او از مسائل فیزیکی و ریاضی استفاده شده است، اما او فرض می‌کند که اندیشه اجتماعی نیز به همین شیوه عمل می‌کند. پیازه بعدها محتوای مسائل را گسترش داد تا حوزه‌های اجتماعی و نیز فیزیکی را آزمون کند.^۱

^۱ - به نقل از کتاب "روانشناسی نوجوانان" نوشته دکتر اسماعیل بیابانگرد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی صفحات ۶۸ - ۷۳

۱.۲.۲ ویژگیهای روانشناختی کودکان :

"کودک پس از آنکه مرحله ی اولیه ی عدم تمیز خود را پشت سر گذاشت به تدریج از وجود عالم خارج و مستقل از خود اطمینان حاصل می کند. لذا با علاقه، به مشاهده و آزمایش آن می پردازد و در حدود چهارسالگی به تصویری کلی از جهان می رسند که هر چند محصولی تماس با واقعیت است، لیکن بیش از آنکه نتیجه درک عینی او از واقعیت باشد، نتیجه ذهن اوست. اما از آنجا که هنوز قادر به تجزیه و تحلیل مجموعه هایی که درک می کند نیست، اگر درباره آنها از او سوال کنیم از توصیف و تبیین آنها عاجز می ماند و در پاسخ به پرسشهای مربوطه، بی آنکه بتواند یا حتی لازم بداند که به روابط عینی توجه کند و در تبیین پدیده ها پای بند قانون علیت باشد، بیشتر ابداع نظر میکند و داستان می سازد."^۱

○ از ویژگیهای روانشناختی کودکان ۴ تا ۶ سال که باید در امر تربیت مورد توجه واقع شود می توان به موارد زیر اشاره کرد:^۲

• **هوش عملی:** هوش عملی، به فکر کودک جنبه ی تجربی وحسی می بخشد و چنانچه با روش صحیح تغذیه و هدایت شود به خارج ساختن کودک از موضع انعطاف ناپذیرش کمک فراوان می کند. برای کودکی که ضمن فعالیت های آزاد مورد علاقه خود به نتایج غیر منتظره می رسد، سوالاتی مطرح می شود که او را به از سر گرفتن فعالیت وا می دارد. تکرار فعالیتها کم کم صورت آزمایش به خود می گیرد و نتایج غیر منتظره را به نتایج مورد انتظار تبدیل می کند. و در مجموع زمینه را برای تجدید نظر در دیدگاه پذیرفته شده و بطور کلی، انعطاف پذیری ذهن در ذقن قبال نقطه نظرهای مختلف آماده می کند. فعالیتهای کودکان در این سن برخاسته از علایق و رغبت های آنی است و تنها با مسائل مورد علاقه اش است که واقعاً با آنها درگیر می شود، و می تواند در کوشش هایش سنگ تمام بگذارد.

• **کنجکاوی:** کنجکاوی کودک یکی از نیرومندترین پایه های تربیت او است. کنجکاوی طفل در برابر چیزی که نمی شناسد یا نمی فهمد، به صورت تمایل شدید وی به بیشتر و بهتر شناختن ظاهر می شود. البته بر انگیزختن حس کنجکاوی کودک نیاز به محیط و مکان مناسب و ابهام انگیز دارد. فضای باز به لحاظ تغییرات جوی، گردش خورشید و وجود آب، خاک و گل و گیاه و سایر عناصر متنوع طبیعی دیگر خود به خود در حال تغییر و تحول است. و هر روز صحنه های گوناگونی را از نظر شکل، رنگ، حجم، سرما، گرما و... مکان مناسبی برای برانگیختن حس کنجکاوی در کودک به طور غیر ارادی است. کودکان معمولاً سوال می کنند تا حس کنجکاوی خود را ارضاء کند، سر باز زدن از پاسخ به سوالات او ممکن است حس کنجکاوی او را تضعیف نماید. تنها راه پاسخ دادن به سوالات این است که کودک در محیطی قرارگیرد که آن محیط و مکان پاسخها را به کودک بدهد.

• **مشاهده کوتاه مدت:** کودکان با دقت نگاه می کنند و گوش می کنند و می چشند و لمس می کنند، اما مشاهده ی آنها کم دوام و زودگذر است. باید آنرا منظم ساخت و تحت قاعده در آورد و البته باید در این کار اندازه را نگاه داشت. تمرین مشاهده به شرط اینکه با نوع فکر کودک در این سنین منطبق باشد، اگر درست هدایت شود در پایان این ۶ سالگی به بررسی اعمال و پس از آن به واریسی کیفیات و سر انجام به مرحله ترکیب می رسد. برای تربیت مشاهده کودک علاوه بر اشیاء محیط و مکان نیز نقش عمده

^۱ - به نقل از رساله دکتری آقای غلام رضا اکرمی با عنوان نقش حیاط در مدرسه صفحه ۵۴

^۲ - به نقل از رساله دکتری آقای با عنوان نقش حیاط در مدرسه صفحات ۵۴ - ۶۰